وقتی آزادسازی ۲۰ میلیارد دلار هم دردی از اقتصاد دوا نمی‌کند

سراب تاب‌آوری در تجـــارت منقبـــض

کیمیـا ملکی: دولت چهاردهم تجـارت خارجی را در دوره‌ای تحویل گرفت کـه نه‌فقط تحریم، ارز و کسـری تجاری بر آن سـایه انداخته بود، بلکه در ایـن مدت ۲ جنگ نیز زنجیـره تامین، حمل‌ونقل و تصمیم‌گیری اقتصادی را به آزمون کشاندند. از مرداد ۱۴۰۳ تا مرداد ۱۴۰۵، تصویر تجارت ایران بیشتر شبیه اداره بحران بود تا اصلاح ساختار. آمار گمرک نشان می‌دهد تجارت غیرنفتی در سال ۱۴۰۳ رشد کرد، ترانزیت به رکورد رسـید و حتی در جنگ ۱۲روزه، ترخیص کالاهای اساسی متوقف نشد اما سال ۱۴۰۴ و به‌ویژه ۴ ماه نخسـت ۱۴۰۵، روی دیگر ماجرا را نشـان داد: افت ارزش صادرات، کاهش واردات، جابه‌جایی پرهزینه مسیرهای تجاری از جنوب به شمال و جاده و شکنندگی آشکار در برابر نااطمینانی امنیتی. دولت توانست موجودی کالا را نگه دارد اما هنوز نتوانسته تجارت را از مدار خام‌فروشی، تمرکز بازار و آسیب‌پذیری زیرساختی خارج کند.

جنگ، تجارت را متوقف نکرد اما نقشه‌اش را عوض کرد

دولت چهاردهم کار خود را در شـرایطی آغاز کرد که تجارت خارجی ایران، مانند بیمار مزمنی که تبش را پنهان کرده باشـد، هنوز روی پای خود بود اما نشـانه‌های فرسـایش در آن کاملا دیده می‌شد. داده‌های رسمی گمرک نشـان می‌دهد در سال ۱۴۰۳ صادرات غیرنفتی ایران به حدود ۵۷.۸ میلیارد دلار و واردات به ۷۲.۴ میلیارد دلار رسـید؛ یعنی کسـری تجاری حدود ۱۴.۵ میلیارد دلار. در ظاهر، حجم تجارت بالا بود و ترانزیت نیز با ثبت حدود ۲۱.۹ میلیون تن به رکورد رسـید اما کیفیت این رشـد همان نقطه‌ای بود که زیر پوسـت آمار پنهان می‌ماند: صادرات همچنان متکی به مواد خام و نیمه‌خام بود، واردات سـهم قابل‌توجهی از کالاهای واسـطه‌ای و سـرمایه‌ای را در بر می‌گرفت و بازارها به چند شـریک محدود خلاصه می‌شـدند. در چنین وضعیتی، جنگ ۱۲روزه سـال ۱۴۰۴ نه آغاز بحران، بلکه افشاگر ضعف‌های قدیمی بود. گمرک و بنادر توانستند ترخیص را ادامه دهند و حدود یک تا ۱.۳ میلیون تن کالا در همان دوره ترخیص شد اما این موفقیت بیشتر به مدیریت اضطراری شباهت داشت تا تاب‌آوری ساختاری. یعنی کشور توانست شوک فوری را مهار کند ولی نتوانست نشان دهد اگر بحران طولانی‌تر شود، مسیر جایگزین واقعی در اختیار دارد یا نه. دو جنگ این واقعیت را برجسته کردند که تجارت ایران، بیش از آنکه بر زیرسـاخت‌های متنوع و زنجیره‌های منعطف اسـتوار باشد، هنوز بر چند بندر، چند بازار و چند مسیر محدود سوار است و همین، هزینه هر شوک را چند برابر می‌کند.

ترانزیت؛ معدود برگ برنده‌ای که زیر فشار جنگ هم ایستاد

در میان همه شاخص‌های تجارت خارجی، ترانزیت یکی از مهم‌ترین نقاط اتکای ایران اسـت؛ نه فقط از منظر درآمد، بلکه از حیث نقش ژئواقتصادی. سال ۱۴۰۳ برای ترانزیت سال قابل‌قبولی بود: حدود ۲۱.۹ میلیون تن کالا از مسـیر ایران عبور کرد و این عدد نسـبت به سال قبل رشد حدود ۲۲.۵ درصدی داشت. چنین رشدی، در شرایطی که زیرساخت‌های ریلی و بندری کشور با محدودیت‌های مزمن مواجه‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا نشان می‌دهد ایران هنوز می‌تواند بخشی از مزیت جغرافیایی خود را حفظ کند. اما سـال ۱۴۰۴، با وجود حفظ سـطح فعالیت، نتوانسـت همان روند جهشی را ادامه دهد و ترانزیت به حدود ۲۰.۵ میلیون تن رسید. این کاهش لزوما به معنای سـقوط نیست، اما پیامش روشن است: ترانزیت ایران هنوز به‌جای اینکه یک موتور پایدار منطقه‌ای باشد، به‌شدت تابع وضعیت امنیتی، دسترسی به بنادر جنوبی و هماهنگی میان مرزهای زمینی و دریایی است. جنگ دوم در ۱۴۰۵ این ضعف را آشکارتر کرد؛ جایی که بنا بر گزارش‌های منتشرشده، بنادر جنوبی از جمله شهید رجایی، امام خمینی و چابهار کمتر قابل اسـتفاده شدند و بخشی از بار به شـمال، جاده و مسیرهای جایگزین منتقل شد. سـازمان توسعه تجارت هم صراحتا هشدار داد که انتقال بار از دریا به جاده و ریل، دشـوار و پرهزینه است. نتیجه روشن بود: وقتی مسیر اصلی دچار تنش می‌شـود، مسـیر جایگزین هنوز ظرفیـت کافی ندارد. به بیان دیگر، ایران هنوز از مزیت جغرافیایی خود اسـتفاده می‌کند، اما آن را به زیرساخت قابل‌اتکا تبدیل نکرده است. ترانزیت بالا رفت، اما هنوز به یک ستون مقاوم در برابر بحران تبدیل نشده؛ و همین تفاوت، مرز میان فرصت و وابستگی است.

شریک‌های اصلی حفظ شدند

تجـارت ایـران در ایـن دوره همچنان بر چند شـریک اصلی می‌چرخـد: چین، عراق، امارات، ترکیه، و در سـطحی محدودتر روسـیه و کشـورهای همسـایه. این تداوم در شـرایط تحریم و جنگ، از یک‌سـو نشـانه‌ای از حفظ کانال‌های تجارت است اما از سـوی دیگر، ضعف مزمن وابسـتگی را عیـان می‌کند. وقتی بخـش بزرگی از صـادرات و واردات به چند کشـور محدود گره می‌خورد، هر تغییر سیاسـت، هر اختلال لجستیکی و هر شوک امنیتی، مسـتقیم به قلب تجارت ضربه می‌زند. امارات همچنان نقش هاب واسـطه‌ای را حفظ کرده، عـراق مقصدی مهم برای کالاهای مصرفی و ساختمانی مانده، چین خریدار اصلی بسیاری از کالاهای خام و نیمه‌خام ایران است و ترکیه هم دروازه‌ای مهم برای واردات و ترانزیت محسوب می‌شود. اما مسئله اینجاست که حفظ این شـرکا، معادل تنوع‌بخشی نیست. تنوع یعنی افزایش تعداد بازارهای پایدار، گسترش کالاهای با ارزش افزوده بالاتر، و تبدیل روابط سیاسی به قراردادهای تجاری قابل اتکا. در این دوره، گرچه تجارت با اوراسـیا و برخی همسایگان رشدهای محدودی داشـت اما سـهم آنها هنوز در برابر بزرگی تجـارت ایران ناچیز است. حتی موافقت‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، با وجود اثرات مثبت، هنوز نتوانسـته وزن تجارت خارجی کشور را دگرگون کند. در نتیجه، دولت چهاردهم از یک‌سـو توانسـته مسـیرهای موجود را حفظ کند، اما از سوی دیگر هنوز نتوانسته از مجبور بودن به چند شریک عبور کند. این همان نقطه‌ای است که سیاسـت همسایگی از شعار به اجرا فاصله می‌گیرد و تجارت، به‌جای توسعه، در مدار تکرار می‌چرخد.

ترخیص اضطراری، جای توسعه را نمی‌گیرد

یکـی از معدود نقاط روشـن کارنامه دولت در تجارت، مدیریت جریان کالا در روزهای بحـران بود. در جنگ ۱۲روزه ۱۴۰۴، گزارش‌های رسـمی از ترخیص سـریع کالاهای اساسـی، فعال ماندن گمرکات، و افزایش سـرعت تخلیه و بارگیری در برخی بنادر خبر دادند. در بندر امام خمینی، شـمار کامیون‌های بارگیری‌شـده به‌طور محسوس افزایش یافت و دستگاه‌های اجرایی با مجموعه‌ای از مصوبات تسـهیلی، تلاش کردند اجازه ندهند تامین کالاهای حیاتی با اختلال جدی روبه‌رو شـود اما همین نقطه روشـن، یک هشـدار بزرگ هم در دل خود دارد: آنچه رخ داد نجات اضطراری بود، نه اصلاح پایدار. بسـیاری از کالاهایی که در آن ۱۲ روز از گمرک عبور کردند، پیش‌تر سفارش‌گذاری شده و در بنادر موجود بودند؛ بنابراین، این آمار نباید به‌عنوان شاخص رونق تفسیر شود. در واقع، سیستم تجاری کشور در برابر یک شوک کوتاه‌مدت، از فروپاشی کامل جلوگیری کرد، اما هنوز معلوم نیسـت در برابر یک بحران ممتد یا هم‌زمانی چند بحران چه می‌کند. وقتی تجارت به جای مسـیرهای متنوع و زیرساخت‌های جایگزین، روی انبارهای موجود، هماهنگی‌های اضطراری و فشـار اجرایی می‌ایسـتد، یعنی از مرحله توسعه عبور نکرده و فقط برای بقا طراحی شـده اسـت. این همان تفاوت میان مدیریت بحران و ساختن تاب‌آوری است. مدیریت بحران، آتش را خاموش می‌کند؛ تاب‌آوری، اجازه نمی‌دهد آتش هر بار از همان نقطه زبانه بکشد. دولت چهاردهم در این میدان، فعلا به اولی نمره قبولی گرفته، اما دومی هنوز بدهکار است.

کسری تجاری کمتر شد

یکی از خطرناک‌ترین خطاهای تحلیلی درباره تجارت ایران این اسـت که کوچک شـدن کسـری تجاری را بی‌درنگ نشانه بهبود بدانیم. در سال ۱۴۰۳، کسـری تجاری غیرنفتی به حدود ۱۴.۵ میلیارد دلار رسـید. در سال ۱۴۰۴ این رقم به حدود ۶.۴ میلیارد دلار کاهش یافت اما این بهبود، بیش از آنکه حاصل جهش صادرات باشد، نتیجه افت واردات بود. یعنی اقتصاد نه لزوماً قوی‌تر شد، بلکه از درون منقبض شد. وقتی واردات کاهش می‌یابد، باید دقیق دید چه چیزی کم شـده اسـت: اگر واردات کالاهای مصرفی کم شـود، شاید نشانه فشـار تقاضا باشد؛ اما اگر واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و کالاهای واسطه‌ای کاهش پیدا کند، نتیجه‌اش افت تولید، کاهش ظرفیت صادرات و تشدید رکود در ماه‌های بعد است. داده‌های چهار ماهـه ۱۴۰۵ ایـن نگرانی را تایید می‌کند. بر پایه آمار مقدماتی گمرک، صادرات غیرنفتی در این دوره به حدود ۱۲ میلیارد دلار و واردات به حدود ۱۲.۵ میلیارد دلار رسیده؛ یعنی کل تجارت نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۲۸ درصد کوچک شده است. این دیگر یک کسری کمتر نیست؛ این یک اقتصاد کوچک‌تر است. در چنین شرایطی، بهتر شدن ظاهری تراز تجاری می‌تواند مثل جمع‌کردن بخشی از صورت‌مسئله باشد، نه حل آن. دولت چهاردهم در این دو سـال موفق شـد تراز را از نظر عددی جمع‌وجورتر کند اما معلوم نیسـت این فشردگی از جنس انضباط بوده یا از جنس تضعیف موتور تجارت. اگر دومی باشد، آمار در آینده بدهی امروز را با بهره پس خواهد گرفت.

تجارت ایران از جنوب آسیب‌پذیرتر است

جنگ دوم در سـال ۱۴۰۵، اثر عمیق‌تری نسبت به جنگ ۱۲روزه داشت؛ چون این‌بار مسـئله فقط ترخیص کالا نبود، بلکه جغرافیای تجارت بود. بر اسـاس گزارش‌های منتشرشـده، اختـلال در بنادر جنوبی باعث شـد بار بخشـی از تجارت به بنادر شمالی و مسیرهای زمینی منتقل شـود. این جابه‌جایی، در ظاهـر نوعی انعطاف‌پذیری اسـت، اما در عمل هزینه را بالا می‌برد: حمل زمینی گران‌تر اسـت، زمان عبور طولانی‌تر می‌شود، بیمه افزایش می‌یابد، و ظرفیت جاده و ریل هم به‌سادگی توان جذب این حجم بار را ندارد. از همین‌جاست که تجارت، حتی اگر روی کاغذ ادامه داشته باشد، در اقتصاد واقعی کند می‌شـود. فعالان اقتصادی هم هشدار داده‌اند که کاهش واردات در ۱۴۰۵ فقط یک عدد نیست؛ بلکه به معنای دشوارتر شدن تأمین مواد اولیه و فشـار بر بنگاه‌هاسـت. در چنین وضعی، ممکن اسـت صادرات روی نمودار باقی بماند، اما بنگاه‌ها در عمل با کمبود قطعه، افزایش هزینه حمل، تاخیر در تحویل و افت سودآوری مواجه شوند. دولت چهاردهم در مواجهه با این شـوک، راه‌حل فوری داشـت، اما راه‌حل زیرسـاختی نه. به همین دلیل، جنگ دوم یک پیام روشـن داشـت: تا وقتی بنادر جنوبی، کریدور شـمال-جنوب، ریل رشت-آستارا، ناوگان حمل‌ونقل و سـازوکارهای بیمه و پرداخت به‌صورت هم‌زمان تقویت نشـوند، تجـارت ایران در برابـر بحران‌های امنیتی همچنان شـکننده می‌مانـد. یعنی ما هنـوز از جابه‌جایی کالا عبور نکرده‌ایم و به مهندسـی مسیر تجارت نرسیده‌ایم و این تفاوت میان بقا و توسعه است.

نمره تجارت در شرایط فعلی، منفی ۳ است

مسعود دانشـمند، عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به اثر شرایط جنگی بر تجارت خارجی کشـور به صمت گفت: در شرایط جنگی، فروش نفت با معضل مواجه شده و از سوی دیگر نظام بانکی کشور نیز با مشـکلات جدی روبه‌رو است. در چنین وضعیتی، دولت عملا ارزی در اختیـار ندارد که بتواند بـه واردکنندگان تخصیص دهد، هرچند نظام تجارت همچنان در حال حرکت است.

وی افزود: زمانی که مواد اولیه به اندازه کافی در دسترس نباشد، تولید کالاهای صادراتی نیز دچار مشکل می‌شود و در نتیجه، روابط تجاری کشور با بازارهای منطقه‌ای نیز آسیب می‌بینند.

دانشـمند با بیان اینکه وضعیت تجارت خارجی مطلوب نیسـت، اظهار داشـت: یکی از مبادی اصلی تجارت منطقه‌ای کشور، دبی و امارات بود، اما در شـرایط فعلی روابط تجاری با این مسـیر تقریباً متوقف شده است. از سوی دیگر، هند نیز به‌عنوان یکی از طرف‌های مهم تجاری ایران، به دلیل مشکلات حمل‌ونقلی و نبود امکان ارسال مستقیم بار، با چالش مواجه شده است.

▣ پاکستان تنها مسیر تازه اما نه بدون مشکل

عضو اتاق بازرگانی با اشاره به تغییر مسیرهای تجاری کشور گفت: شـرایط جنگی، وضعیت تجارت را وخیم‌تر کرده است؛ نه وضعیت اقتصادی مناسـبی داریم و نه روابط تجاری مطلوبی با همسـایگان برقرار اسـت. تنها کانالی که تا حدی فعال‌تر شده و پیش‌تر کمتر با آن کار می‌کردیم، پاکستان است؛ با این حال، این مسیر نیز اکنون با مشکلات خاص خود روبه‌رو است.

▣ آزادسازی منابع بلوکه‌شده کافی نیست

وی در ادامه با اشاره به بحث آزادسازی احتمالی منابع بلوکه‌شده ایـران، بیان کـرد: باید دید صحبت از چه میزان منابع بلوکه‌شـده است؛ برای مثال اگر رقم ۲۰ میلیارد دلار مطرح باشد، این عدد برای اقتصاد ایران رقم بزرگی محسوب نمی‌شود.

دانشـمند افزود: کشور سـالانه به حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیـارد دلار ارز در سیسـتم اقتصـادی نیـاز دارد. صـادرات غیرنفتی ایران نزدیک بـه ۴۰ میلیارد دلار برآورد می‌شـود و فـروش نفت نیز حدود ۳۰ تـا ۴۰ میلیارد دلار است. این منابع باید وارد چرخه اقتصادی کشور شوند.

وی اظهار داشـت: اگـر ۲۰ یا ۲۵ میلیارد دلار منابع آزاد شـود، می‌تواند بخشـی از مشکلات را کاهش دهد، اما همه مسئله را حل نمی‌کند. مسـئله اصلی این اسـت که کشـور باید به سمت ثبات رفتـاری در روابط خارجی و تجاری حرکت کند، روابط بازاری خود را با دنیا سامان دهد و از وضعیت قطع ارتباط با نظام بانکی جهانی خارج شود.

▣ برنامه تجاری دولت جدید تفاوت معناداری نداشته است

دانشمند با اشـاره به روند سیاست‌گذاری تجاری در دولت فعلی گفـت: برنامه‌های دولت آقای پزشـکیان، همـان برنامه‌های دولت گذشته است و برنامه متفاوت و مشخصی نیز به مجلس ارائه نشد.

وی افزود: در کنار این مسئله، شرایط جنگی و مشکلات ایجادشده در روابط با برخی همسایگان از جمله عراق، کویت و به‌ویژه امارات، وضعیت تجارت خارجی را دشوارتر کرده است.

عضو اتـاق بازرگانی ایـران اظهار داشـت: ایران تجـارت حدود ۳۰ میلیـارد دلاری با امارات را از دسـت داده اسـت و از دسـت رفتـن تجارت، به معنای از دسـت رفتن اشـتغال و تولیـد داخلـی است.

▣ نمره دولت در اقتصاد؛ منفی ۳

دانشمند درباره ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت گفت: نمره دولت به اندازه رشد اقتصادی کشور است؛ یعنی منفی ۳.

وی بـا تاکید بر اینکه نمی‌توان اثر شـرایط جنگـی را در ارزیابی وضعیت اقتصادی نادیده گرفـت، افزود: جنگ یک واقعیت موجود اسـت و نمی‌توان آن را از تحلیل کنار گذاشـت. با این حال، دولت نتوانسـته بر شـرایط مسـلط شـود و این بزرگ‌ترین نقطه ضعف عملکرد اقتصادی اسـت. جبران هر روز از این شـرایط، زمان بسیار بیشـتری می‌طلبد؛ به‌گونه‌ای که یـک سـال زندگی در شـرایط جنگـی، نیازمند سـال‌ها کار مداوم برای جبـران آثـار آن است.

▣ تحقـق اهـداف تجـاری ۱۴۰۵ بعید است

عضو اتـاق بازرگانی ایران در پایان با اشاره به چشـم‌انداز تحقق اهداف تجاری کشـور در سال ۱۴۰۵ گفت: تحقـق این اهداف بعید اسـت، مگر اینکه اتفاقی غیرمنتظره رخ دهد. در شـرایط فعلی، نمره دولت از منظر تجارت و اقتصاد منفی ۳ است و نمره مثبتی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت.

سخن پایانی

کارنامـه تجارت خارجی دولـت چهاردهم را باید با یک عینک دوگانه خواند: از یک‌سـو، دولت توانسـت در شـرایط جنگ، تحریـم و نااطمینانی، جریان کالا را متوقف نکند، کالاهای اساسـی را برسـاند و حتی در ترانزیت و مدیریت اضطراری بنادر امتیاز بگیرد. از سـوی دیگر، این کارنامه هنوز از یک ضعف بنیادی رنج می‌برد: تجارت ایران به‌جای اینکه موتور رشد باشـد در نقش سامانه بقا عمل می‌کند. صادرات همچنان خام‌محور است، واردات به نوسان‌های ارزی و امنیتی حساس مانده، مسیرهای تجاری محدودند و زیرسـاخت‌های جایگزین هنوز به اندازه بحران‌های واقعی آماده نشده‌اند. ۲ جنگ ایـن دوره، بیـش از هر گزارش آماری، نشـان دادنـد که تـاب‌آوری ایران فعـلا پرهزینه و موقتی است، نه سـاختاری و پایدار. به بیان دیگر تجارت در این ۲ سـال زنـده ماند اما هنوز درمان نشده است.